

تغییراتی که در سیاست کشورهای امپریالیستی و کشورهای دیگر در عرصه بین المللی در مورد برنامه اتمی رژیم بوجود آمده، می توان گفت پیامدهای بحران اقتصادی و اعمال فشار از راه تحریم اقتصادی در آینده هر روز با شدتی بیشتر و دامنه ای وسیع تر ادامه پیدا خواهد کرد و به موازات ادامه این روند دوران تزلزل و تلاطم در رژیم آغاز می شود.

از این رو با توجه به خصالت استبداد مذهبی قرون وسطایی رژیم، سران رژیم می کوشند برای ادامه حیاتشان همچنان به اعمال شیوه های ترور و اختناق متوسل شوند.

در این زمینه ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم از تجربه های فراوانی برای ایجاد جو رعب و وحشت در کشور برخوردارند و تا کنون برای جلوگیری از جنبش ضد استبدادی مردم میهن ما این شیوه را با وسعت زیادی به کار بسته اند و در آینده هم به کار می بندند.

همانطور که ارگانهای سرکوبگر رژیم در رویداد خردادماه 1388 نشان دادند، محافل ارتجاعی حاکم با توسل به زور و تطمیع باندهای ارازل و اوباش و استفاده از آنها به صورت گروه های ضربت موتورسوار و گسیل مامورین مسلح بدون اونیفورم مشهور به "لباس شخصی" برای مقابله با تظاهرات مردم از حربه سرکوب برای جلوگیری از گسترش جنبش مردم بهره گیری کردند که در نتیجه سرکوب خونین تظاهرات بیش از 60 نفر از مردم معترض به ضرب گلوله های نیروهای مسلح در کوچه و خیابان ها به قتل رسیدند و عده ای دستگیر و روانه بازداشتگاههای مرگبار رژیم شدند.

در این جنایت هولناک سپاه پاسداران، نیروهای بسیج و پلیس ضد شورش به عنوان بازوی مسلح رژیم برای جلوگیری از گسترش جنبش و در هم شکستن تظاهرات مردم نقش فعال داشتند.

با در نظر گرفتن مسائلی چون بحران اجتماعی-اقتصادی و تشدید بحران و بازتاب آن در نارضایتی مردم و اختلاف در میان جناح بندی های مختلف درون حاکمیت، وابستگی کشور به بازار کشورهای سرمایه داری جهانی به ویژه در شرایطی که رژیم در مورد مسئله هسته ای با تحریم های اقتصادی از جانب شورای امنیت سازمان ملل روبروست و تضادهایی که رژیم فاسد و منفور غارتگر را از درون مانند خوره می خورد، رژیم استبدادی "ولایت فقیه" به چنان بن بست رسیده که هیات حاکمه رژیم با خصیصه قشری گری و عدم درک شرایط موجود، بدون دست یازی به ترور و اختناق قادر به ادامه حکمروایی نیست.

نمونه بارز آن به ویژه پس از خاتمه جنگ خانمان برانداز ایران و عراق بود. سران رژیم و نیروهای قشری و ارتجاع سپاه



شماره 2 ، 10 آذر ماه 1389

احمد قره باغی

## وضع کنونی درون کشور و وظایف مبرم ما در لحظه کنونی

رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" در لحظه کنونی دچار آشفتگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گردیده است و راهی برای برون رفت از بحران ندارد.

در بررسی وضع کنونی کشور به وضوح پیدا است که سیاست کنونی رژیم "ولایت فقیه" تضادهای سیاسی-اجتماعی درون جامعه ما را تشدید می کند و کشور را به سوی یک بحران عمومی سیاسی می راند.

تعمیق و تشدید بحران اقتصادی رژیم نتیجه بی برنامه گی رژیم در زمینه های صنعتی و کشاورزی و نیز حفظ و ادامه راه نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی رژیم گذشته در ایران با ساختار اقتصادی سراپا وابسته به انحصارهای سرمایه داری و صدور تک محصولی نفت است. از سوی دیگر بحران اقتصادی رژیم تحت تاثیر بحران جهانی که تمام سیستم سرمایه داری انحصاری جهانی را دربر گرفته، پیامدهای این بحران جهانی در جامعه ایران به علت وابستگی عمیق کشور ما به اقتصاد سرمایه داری انحصاری، همراه با اعمال سیاست تحریم اقتصادی در قبال برنامه غنی سازی اتمی رژیم، بحران اقتصادی در کشور را هرچه بیشتر دامن می زند.

واضح است که تشدید بحران اقتصادی نمی تواند به تشدید بحران سیاسی منجر نگردد. هم اکنون آشفتگی اقتصادی، وابستگی شدید اقتصاد کشور به انحصارهای سرمایه داری، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی، تورم فزاینده، بیکاری روزافزون، عمیق شدن شکاف موجود میان فقر و ثروت، زیان های اقتصادی ناشی از ادامه غنی سازی اتمی، رشوه خواری و حیف و میل اموال عمومی و فساد در جامعه به عنوان پیامد ناگزیر سیاست رژیم به روشنی چهره خود را نشان می دهد.

در حالیکه بحران روزبروز شدت پیدا می کند و موجب گسترش هرج و مرج اقتصادی و عدم ثبات سیاسی رژیم می شود و با

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی بر انداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

داخلی که در ادامه جنگ مخرب با شکست مواجه شده بودند از ترس آتش خشم و ناخرسندی توده های مردم برای جلوگیری از گسترش جنبش توده ها در جهت براندازی رژیم در همان روزهای پایان جنگ در تابستان خونین سال 1367 در فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی ایران به کشتار وحشیانه هزاران نفر از مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در زندانهای رژیم دست زده است.

نمونه دیگر از اعمال جنایتکارانه دستگاه سرکوب رژیم استبدادی "ولایت فقیه" دزدیدن و به قتل رساندن آزادی خواهان معروف به قتل های زنجیره ای در کشور ما است.

دستگاه سرکوب رژیم با این شیوه که در کشورهای آمریکای لاتین در رژیم هایی نظیر رژیم سیاه استبداد ایران که این اعمال انجام می شود، در کشور ما برای جلوگیری از گسترش جنبش آزادی خواهانه مردم ایران این شیوه را به کار می گیرد.

بدون تردید شیوه ترور و اختناق از جانب رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" بنا بر ماهیت ضد ملی و خلقی اش علیه مبارزان راه آزادی در آینده ادامه پیدا خواهد کرد.

اما با این اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در جامعه که شرایط تازه ای را بوجود آورده است، باید دید رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" تا کی و تا کجا قادر به ادامه چنین روندی خواهد بود؟

ما در این ارزیابی به ضعف های ناشی از عوامل ذهنی در مبارزه برای پایان بخشیدن به رژیم "ولایت فقیه" اشاره می کنیم.

در این ارتباط باید یادآور شد که در انتخابات سالهای 1376 و 1388 ریاست جمهوری رژیم که توده های ناراضی در جستجوی راه برون رفت از وضع ناهنجار کنونی بودند. در آن شرایط امکان برای مانور سیاسی اصلاح طلبان حکومتی مهیا می شود و این جناح توانست از پوشش اصلاحات از ناراضیای مردم به سود خود بهره گیرد و راه برای به قدرت رسیدن گروه های جبهه دوم خرداد که در آن طیفی از نیروهای هوادار اصلاحات با گرایش های گوناگون سیاسی شرکت داشتند، هموار گردید.

چنانکه می دانیم جناح اصلاح طلب در خرداد ماه 1376 پس از دستیابی به حاکمیت دولتی که تقریباً یکپارچه در دست اصلاح طلبان بود، پس از کسب اکثریت ششمین دوره مجلس رژیم در بهمن ماه 1378، با در پیش گرفتن یک سیاست خارجی در زمینه اقتصادی که مغایر منافع و استقلال میهن ما بود. در سمت

گیری اقدامات ضد ملی این جناح در جهت تسلط غارتگرانه امپریالیستها به کشور ما پیاده شد و در این زمینه قراردادهای خائنانه با انحصارهای امپریالیستی در جهت غارت ثروت های ملی کشور ما منعقد نمود و در این چارچوب بخش عظیمی از منابع نفت و گاز میهن ما را به انحصارهای امپریالیستی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، ژاپنی و دیگر کشورها از جمله چین و کره جنوبی واگذار کرد.

در زمینه سیاست داخلی، جناح اصلاح طلب با در پیش گرفتن سیاست "آرامش فعال" و گفتگو و چانه زدن با جناح قشری در حاکمیت به اصلاحات موردنظر خود در نظام حاکم دست نیافت و بدینسان تجربه هشت ساله دولت خاتمی و مجلس دوره اصلاحات در عمل نشان داد در چارچوب رژیم "ولایت فقیه" رفرم (اصلاحات) امکان پذیر نیست.

ولی با این وجود مبارزه خودی ها در حاکمیت میان دو جناح ادامه داشت تا اینکه در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری رژیم در خرداد ماه 1388، در شرایطی که توده های مردم از حاکمیت روحانیت ناراضی هستند و تحت فشار بی سابقه اقتصادی و ترور و اختناق قرار دارند. در حالیکه در جریان انتخابات اختلاف میان دو جناح در هرم حاکمیت به بحران عمومی سیاسی در حکومت منجر شده بود. این بحران سیاسی موجب می شود تا توده های مردم کشور ما به سود خواستهای خود و به زیان حاکمیت کنونی از این مسئله بهره گیری نمایند و در روزهای پس از اعلام نتایج آراء انتخابات کم کم علیه هیات حاکمه ارتجاعی، وارد میدان نبرد مشترک برای آزادی و دموکراسی شوند.

در جریان انتخابات جناح قشری حاکمیت و متحدانش با توسل به شیوه تقلب تمام نیروی خود را بکار انداختند تا جناح اصلاح طلب را در انتخابات با شکست روبرو سازند و حاکمیت دولتی را تحت سلطه خود داشته باشند.

پس از رویداد خردادماه 1388 این واقعیت بار دیگر نشان داد که در چارچوب رژیم قرون وسطایی "ولایت فقیه" امکان تغییر و تحول مسالمت آمیز از طریق رفرم (اصلاحات) و دسترسی به آزادی و دموکراسی آن هم از طریق انتخابات ممکن نیست و چنین تصویری آب در هاون کوبیدن است.

باید افزود در ارتباط با این رویداد توده های مردم میهن ما شناخت وسیع تری از ماهیت روحانیت حاکم و پشتیبانان و سرسپردگان وابسته به آن در چهره سپاه پاسداران، بسیج و پلیس پیدا کردند.

قاطع در جهت طرد رژیم استبدادی "ولایت فقیه" توده ها را برای رویارویی با نیروهای ارتجاعی و خنثی کردن این شیوه ها تجهیز نمایند آن گاه می توان گفت که جنبش آزادی خواهانه و ضد استبدادی کشور ما می تواند سنگر مخوف دیو استبداد را درهم شکند.

زیرا سازماندهی این مبارزات و اتحاد عمل نیروهای مبارز شرط اساسی و ضرور برای رسیدن به هدف عمده و مشترک نیروهای ملی و دموکراتیک یعنی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

### وضع در عرصه مبارزه درون کشور

در شرایط کنونی در عرصه داخل کشور، نیروهای رنگارنگی متعلق به طبقات مختلف از نیروهای خلقی و مردمی گرفته تا نیروهای سرمایه داری لیبرال و اصلاح طلب و نیروهای بنیابینی برای آزادی درمیدان مبارزات سیاسی کشور شرکت دارند. اگرچه هدف نهایی همه این نیروها به پیروی از موضع گیری طبقاتی خود یکی نیست، ولی همه این نیروها به تناسب تضادی که با سلطه استبداد "ولایت فقیه" دارند در یک خواست اشتراک نظر دارند و آن پایان بخشیدن به حاکمیت دولتی روحانیون و نیروهای قشری افراطی است که قدرت دولتی را در جامعه ما در دست دارند. در این میان نگرانی از برنامه های اتمی رژیم موجب شده است تا دولت های امپریالیستی در جهت برکناری روحانیون از قدرت دولتی در کنار این نیروها قرار گیرند.

این پدیده را ما اکنون در روش دولتهای امپریالیستی در رابطه با برنامه اتمی رژیم مشاهده می کنیم. در حال حاضر تلاش آنها در شرایط بحران اجتماعی و اقتصادی دامنگیر کشور و نیز وابستگی شدید اقتصادی و صنعتی کشور ما به اقتصاد سرمایه داری جهانی، اعمال تحریم اقتصادی و مالی علیه رژیم است.

در لحظه کنونی رژیم با بهره گیری از امکان اقتصادی فروش نفت و گاز می تواند در شرایط کنونی تحریم اقتصادی و فشار سیاسی، مالی، پولی امپریالیسم جهانی به حیات خود ادامه دهد و از این راه از شتاب روزافزون تحریم های جهانی به زیان خود بکاهد. ولی در دراز مدت به موازات وابستگی عمیق کشور به انحصارهای امپریالیستی ادامه آن مقدور نیست.

در زمینه گرایش های کشورهای امپریالیستی باید بگوئیم، در چنین شرایطی و در چنین مرحله دشواری از مبارزه نیروهای آزادیخواه و مترقی برای طرد سلطه استبداد مذهبی "ولایت فقیه"

بدین ترتیب انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری رژیم که اوج درگیری این دو جناح در خرداد ماه 1388 بود، با سرکوب طرفداران مشی اصلاح و تغییر از درون، نقطه پایانی بود بر این توهم بورژوا لیبرالی که طی دو دهه گذشته به مشی مسلط اپوزیسیون رژیم مبدل شده بود.

آنچه را در این باره می توان گفت این است در شرایطی که تشدید ترور و اختناق به حادثه شدن هر چه بیشتر تضادهای درون رژیم منجر می شود و به کم رنگ شدن هر چه وسیعتر توهم لیبرالی در میان نیروهای مخالف رژیم می انجامد و درست بر پایه همین تجربه، میدان عمل برای سازشکاری و ماماشات افشار میانی سرمایه داری یعنی لیبرالهای وطنی به طور نسبی تنگ می گردد و اعمال شیوه های سازش با نیروهای بورژوازی بزرگ حاکم و نیز بازیهای انتخاباتی به مثابه تنها راه ممکن برای هموار ساختن راه تغییر و تحول از درون در جهت برکنار کردن روحانیون سنتی و مذهبیون قشری از حاکمیت در واقع اکنون این مشی لیبرالی با شکست روبرو شده است.

در شرایط کنونی با داروی کهنه شده "استحاله" نمی توان رژیم در حال مرگ را درمان کرد. با آنکه این مشی لیبرالی پس از رویداد خرداد ماه 88 تاثیر و نفوذ خود را از دست می دهد. ولی با این وجود نیروهای راست و بورژوازی لیبرال از امکان وسیع در میان اصلاح طلبان، نیروهای بنیابینی و ملی و مذهبی و دستگاههای دولتی برخوردار است و همین امکانات مساعد موجب می شود که بورژوازی لیبرال از آن به سود مشی خود بهره گیری نماید و بخشی از نیروهای افشار خرده بورژوازی را تحت تاثیر موضع گیری های زیانبار خود که موجب ناتوان شدن جنبش مردم در برابر رژیم می گردد، قرار دهد.

با این وجود اکثر توده های مردم از رژیم ناراضی هستند. وقتی در نظر بگیریم که مشی لیبرالی اصلاح از درون طی دوده گذشته مشی مسلط بر جنبش ضد استبدادی و آزادی خواهانه مردم میهن ما بود. حال با توجه به این عملکرد مخرب روشن است که وضع انفعالی هواداران دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه نتیجه تاثیر این عامل تخریبی است.

ولی با گسترشی که جنبش ضد استبدادی میهن ما پیدا خواهد کرد، به ویژه پس از جریان مبارزات خردادماه 1388 که توده های مردم در مبارزات رودررو با نیروهای سیاه سرکوبگر رژیم درگیر شدند، با شناخت روزافزونی که توده های مردم میهن ما از دشمنان واقعی آزادی پیدا کرده و می کنند در صورتی که نیروهای راستین آزادی خواه مترقی و مردمی به سازماندهی نیروهای خود بپردازند و با تشدید مبارزه و سمت گیری روشن و

این گرایش ضمن وجود همگونی در بخشی با گرایش نیروهای مخالف رژیم، با هدف این نیروها هم جهت گردیده است.

این پدیده به مثابه عاملی در براندازی رژیم، گردانندگان رژیم استبدادی "ولایت فقیه" را دچار سراسیمگی و سردرگمی کرده و موجب ترس و هراس در مقامات حاکمیت گردیده است و به همین سبب خامنه ای با واکنش در قبال مواضع امپریالیستها به ویژه امپریالیسم آمریکا خطاب به آن بخشی از روحانیون و عناصر حمایت کننده جناح اصلاح طلب از جمله رفسنجانی که امروز می خواهند خودشان را کنار بکشند تا اگر در آینده تحولی در جهت تغییر رژیم کنونی بوجود آمد، بگویند که ما نبودیم، به آنها هشدار می دهد که اگر مخالفان اسلام پیروز شوند به آنها هیچ گونه گذشتی نخواهد کرد و از گرفتار شدن آنها به سرنوشت صدام حسین سخن می گوید.

در زمینه برانداختن استبداد ناگفته پیداست که این هدف به عامل ذهنی در جهت تدارک و رشد جنبش خلق، و آگاهی توده های مردم از وضع ناهنجار موجود در جامعه و آمادگی قشرهای وسیعی از مردم برای مبارزه علیه مزدوران رژیم و جانبازی در راه رسیدن به خواسته های ملی و دموکراتیک خویش بستگی دارد. در شرایطی که کشور ما دچار بحران عمیق ساختاری است و ادامه بحران روز بروز رژیم را ضعیف و ناتوان خواهد ساخت، برای دستیابی به این هدف عمده یعنی برانداختن رژیم استبداد "ولایت فقیه" وجود عامل ذهنی، یعنی اتحاد نیروهای آزادیخواه و ضد استبداد با برنامه مشترک در جهت خاتمه دادن به رژیم استبدادی "ولایت فقیه" برای تامین آزادی های فردی و اجتماعی در میهن ما ضرورت حاد دارد.

در شرایط کنونی که جنبش ضد استبدادی و آزادیخواهانه میهن ما با ضعف لزوم مبارزه آشتی ناپذیر سیاسی برای رسیدن به هدف عمده یعنی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" و نیز دیگر کمبودها و نارسایی ها ناشی از عوامل ذهنی روبروست.

ضعف عامل ذهنی موجب گردیده که جنبش ضد استبدادی از نظر اشکال مبارزه در وضع نامطلوبی قرار گیرد و محافل ارتجاعی و سران رژیم از این نقطه ضعف جنبش حداکثر استفاده را ببرند.

در اینجاست که ضرورت اتحاد عمل نیروهای راستین آزادیخواه مترقی و مردمی در پیکار مشترک علیه رژیم استبدادی در جبهه واحد و با برنامه مشترک برای رسیدن به هدف مشترک به مثابه یک وظیفه عمده و موثر برای پیروزی بر رژیم سیمای خود را نشان می دهد.

بر این پایه است که حزب توده ایران برای اتحاد عمل نیروهای آزادیخواه و میهن پرست و پیروان سوسیالیسم علمی در کشور ما برای سازماندهی توده ها در جهت درهم شکستن سد بازدارنده پیشرفت و ترقی جامعه ایران یعنی رژیم "ولایت فقیه" اهمیت درجه اول قائل است و در این راه برای رسیدن به اتحادی پایدار با همه نیروهای مترقی ملی و آزادیخواه و همه پیروان سوسیالیسم علمی به سوی آزادی و استقلال ملی تلاش می کند.

12 آبان ماه 1389

### از ایران چه خبر

• "طی سالهای 85 تا 88 بیش از 292 میلیارد و 191 میلیون دلار صادرات نفت و گاز داشته ایم ... مجموع بدهی های قطعی و احتمالی که شامل همه تعهدات خارجی کشور از جمله اعتبارات اسنادی گشایش یافته که کالای آن هنوز حمل نشده، می شود، در پایان سال 88 به بیش از 44 میلیارد و 400 میلیون دلار رسیده است.

فعالیت عمرانی دولت احمدی نژاد در چهار سال گذشته به بیش از 71 هزار و 450 میلیارد تومان رسیده است ... رشد بودجه جاری دولت ... در سال 87 بیش از 38/3 درصد شده است." (جمهوری اسلامی، 1389/8/22)

همانطور که ملاحظه می کنید با افزایش درآمد نفت طی سالهای اخیر که به رقم نجومی بیش از 292 میلیارد دلار بالغ می شود و هزینه کردن بخش عمده این درآمدها در بخش جاری بودجه و خرید تسلیحات از کشورهای خارجی و اختصاص دادن مبلغ کوچکی از آن (71 هزار میلیارد و 450 میلیون تومان) به بخش عمرانی در بودجه سالانه دولتی، ماهیت انگلی دولت دست نشانده ولی فقیه را به روشنی نشان می دهد. این همه در حالی صورت می گیرد که اقتصاد عمیقاً وابسته کشور ما به انحصارهای امپریالیستی که بر پایه صدور روزانه 2 میلیون و 24 هزار بشکه نفت در روز انجام می گیرد، و هزینه کردن این حجم عظیم درآمد نفتی از طریق واردات کالا از کشورهای امپریالیستی زنجیر وابستگی کشور ما را به انحصارات امپریالیستی هر روز محکم تر می کند.

رژیم "ولایت فقیه" با در اختیار گذاشتن بخش عمده ارز حاصل از فروش نفت و گاز در اختیار بازاریان محترم!! (به فرموده امام امت) از طریق واردات بی رویه کالا به قیمت نابودی تولیدات کشاورزی و صنعتی داخل کشور بزرگترین خیانت را به منافع و استقلال ملی کشور ما مرتکب شده و می شود.

نساجی به واردات پنبه نیاز دارند." (جمهوری اسلامی، 1389/8/8)

در حالی که سالیانه دهها میلیون دلار ارز کشور به واردات پنبه از کشورهای خارج نظیر ازبکستان اختصاص داده شده، با همین مقدار سرمایه گذاری در اراضی زیر کشت پنبه در کشورمان می توان از واردات این محصول اساسی بی نیاز بود.

از آنجا که رژیم "ولایت فقیه" تامین منافع غارتگرانه سرمایه داران بزرگ را هدف خود قرار داده است، نمی تواند و اساساً نمی خواهد با اختصاص اعتبار لازم و نیز برنامه ریزی به گفته معاون وزیر جهاد کشاورزی به حل این معضل کمک کند.

#### • برای خنده

"به گفته بهمنی (رئیس کل بانک مرکزی رژیم)، بحران اخیر در بانکداری آمریکا و اروپا به این خاطر بود که کنترل و نظارت بانکداری اسلامی در اقتصاد آنها مفهومی نداشته و این امر موجب مواجه شدن شبکه بانکی آنها با مشکلات اخیر است." (کیهان، 1389/9/6)

"مجلس شورای اسلامی با پذیرش دانشجوی پولی در دانشگاه های دولتی بدون آزمون موافقت کرد." (سایت الف 1389/7/11)

بدین ترتیب این امکان برای فرزندان صاحبان ثروت های باد آورده فراهم می شود تا با پرداخت پول و بدون داشتن حداقل معلومات لازم وارد مراکز آموزش عالی شوند و فرزندان طبقات زحمتکش جامعه به دلیل نداشتن امکانات مالی، همچنان پشت در دانشگاه ها بمانند. این است معنی و مفهوم آموزش رایگان از دبستان تا دانشگاه طبق قانون اساسی در رژیم "ولایت فقیه".

"77/3 درصد هزینه خانوارهای شهری غیرخوراکی است. هزینه گوشت با 25/6 درصد در بین هزینه های خوراکی و مسکن با 40/4 درصد در بین هزینه های غیرخوراکی بیشترین سهم را به خود تخصیص داده اند." (ابرار اقتصادی، 1389/7/28)

با توجه به خط فقر که از سوی مسئولین 850 هزار تومان تعیین شده و درحالی که حداقل حقوق و دستمزدها در کشور خیلی پائین تر از خط فقر است، چگونه یک خانواده

بدهی خارجی 44 میلیارد دلاری دولت در پایان سال 88 به کشورهای خارجی، عمق وابستگی کشور را به اقتصاد سرمایه داری جهانی نشان می دهد. با توجه به سمت گیری اقتصادی و اجتماعی رژیم در جهت تامین منافع آزمندانانه اقلیت کوچک سرمایه بزرگ تجاری، خیانتی که از ماهیت حاکمیت روحانیت و دارودسته ولی فقیه و انصارش سرچشمه می گیرد. ما هر روز شاهد چپاول و غارت ثروتهای ملی و نابودی تولیدات داخلی هستیم. تنها راه برون رفت از وضعیت کنونی در هم شکستن سد اصلی بازدارنده رشد و تکامل جامعه ایران یعنی رژیم "ولایت فقیه" و استقرار حکومتی متکی بر خواست و اراده مردم ایران است.

برای تحقق این امر وحدت عمل همه نیروهای مترقی و آزادیخواه شرط اصلی و ضرور برای پایان دادن به عمر منحوس رژیم "ولایت فقیه" است.

• "کل سطح زیر کشت برنج کشور 527 هزار هکتار است که با احتساب ظرفیت عملکرد 16/5 تن در هر هکتار، ظرفیت تولید برنج با همین سطح کشت تا 8/5 میلیون تن یعنی بیش از 3 برابر نیاز کشور قابل افزایش است." (جمهوری اسلامی، 1389/8/2)

• با وجود فراهم بودن چنین امکانی در کشور، واردات 600 هزار تن برنج در سال توسط تجار محترم (به گفته خمینی) و در واقع سرمایه داران غارتگر بزرگ تجاری، در حالی صورت می گیرد که امکان تولید بیشتر از این مقدار در داخل کشور وجود دارد.

همان طور که گفتیم ولی رژیم "ولایت فقیه" با تامین منافع اقلیت کوچک سرمایه بزرگ تجاری با در اختیار گذاشتن ارز حاصل از فروش منابع نفت و گاز کشورما در اختیار آنها به بهای نابودی تولیدات کشاورزی بزرگترین خیانت رابه منافع مردم ایران و استقلال ملی کشورما مرتکب می شود.

• "مجید خلیلی خشنود معاون وزیر جهادکشاورزی درگفت وگو با ایلنا گفت: رساندن آب مورد نیاز بر سر مزارع کشاورزی نیازمند میلیاردها تومان سرمایه و یک پروسه طولانی مدت است که درحال حاضر این مقدار اعتبار و نیز برنامه ریزی برای اجرای این هدف وجود ندارد.... تولید پنبه کشور حدود 60 هزارتن بوده که تقریباً نیمی از نیاز صنایع نساجی کشور را تامین می کند و مابقی آن لزوماً از واردات قابل تامین خواهد بود.... به گفته خشنود، درحدود 40 درصد از صنایع

زحمتکش می تواند از تامین حداقل نیازهای اولیه زندگی با توجه به گرانی های سرسام آور اخیر و روند روبه رشد قیمت ها، برخوردار باشد.

### • رشد سرسام آور قیمت ها در کشور

جدول افزایش قیمتها در بازار که به تائید بانک مرکزی ج.ا رسیده است نشان می دهد که قیمت گوشت قرمز، گوشت مرغ، روغن نباتی، قند و شکر، سبزی های تازه و چای در هفته منتهی به هفتم آبان ماه نسبت به مدت مشابه در سال قبل به ترتیب گوشت قرمز 22/6 درصد، گوشت مرغ 23/8 درصد، روغن نباتی 29 درصد، قند و شکر 39/4 درصد، سبزی های تازه 39/9 درصد و چای 13 درصد افزایش یافته است. (جمهوری اسلامی، 1389/8/12)

وضع دشوار زندگی مردم درکشورما، محصول خیانت سران رژیم به اهداف انقلاب مردم ایران است. روحانیون حاکم با زیرپا گذاشتن مهم ترین و میرم ترین مسائل اجتماعی مانند ملی کردن تجارت خارجی و برقراری کنترل بر توزیع داخلی و بازگذاشتن دست همه غارتگران و سرسپردگان رژیم برای سودجویی و ثروت اندوزی که خون ملت را به مکند و ثروت ملی ما را چپاول کنند، در عملکرد رژیم نمایان است.

**چرا چنین است؟** پاسخ به این سوال را قبل از همه در یورش وحشیانه رژیم به حزب توده ایران، سنگر دفاع از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان و محرومان جامعه، در ادامه جنگ مخرب و خانمان برانداز، خیانت به اهداف انقلاب مردم ایران که نتیجه سازش میان روحانیون حاکم و به ویژه شخص خمینی با سرمایه داران غارتگر بزرگ تجاری و بزرگ مالکان که تکیه گاه رژیم وابسته شاه را تشکیل می دادند، سمت گیری در جهت نظام منحط سرمایه داری وابسته که کشور ما را هرچه بیشتر به اقتصاد سرمایه داری انحصاری وابسته کرد، باید دید که نتیجه سیاست و عملکرد ضد خلقی هیات حاکمه مرتجعی است که هم اکنون عده انگشت شماری مبلغ 250 هزار میلیارد تومان معادل 250 میلیارد دلار نقدینگی در گردش کشور را در دست دارند. مسبب این وضع فلاکت بار در جامعه و عقب ماندگی اقتصادی کشور در درجه اول سران رژیم روحانیون حاکم و طیف نیروهای مذهبی در حاکمیت اعم از راست و رادیکال مانند گروه های انحصارطلب راست گرا و قشری، عوامل ساواکی، گروه های مذهبی مولف، رسالت، حجتیه و گروه های خط امام دیروزی و اصلاح طلبان امروزی می باشند که با سوء استفاده از باورهای مذهبی توده ها با اقدامات ضد

آزادی و استقلال ملی خود و همدستی با نیروهای ارتجاعی جامعه ما، مانند بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته آریامهری موجب تشدید هر چه بیشتر وابستگی کشور ما به انحصارهای امپریالیستی شدند و سرانجام اقتصاد کشور را به ورطه ورشکستگی کشاندند که ما امروز ناظر فروریزی آن هستیم.

رژیم "ولایت فقیه" با تکیه بر ارگان های سرکوبگر و جاسوسی خود، با سرکوب آزادی های فردی و اجتماعی در جامعه، مردم میهن ما را از ابتدایی ترین حقوق آزادی های عام دموکراتیک و آزادی سیاسی محروم کرده است و آخرین نمونه آن احکام صادره بیدادگاه های رژیم علیه جناح اصلاح طلبان حکومتی است که 64 نفر از آنها از 5 تا 15 سال حبس که هنوز از طرف رژیم اعلام نشده، محکوم شده اند.

رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" همه طبقات و اقشار زحمتکش جامعه ما را زیر فشار قرار داده است و حاضر نیست هیچ گونه مخالفتی را با موضع گیری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود تحمل کند. این رژیم فلاکت بارترین وضع را برای اقتصاد کشور ما اعم از کشاورزی صنعت و کار و زندگی مردم ایجاد کرده است. در شرایط کنونی که شیخ طرد این رژیم بیش از پیش سران رژیم را هراسان کرده، رژیم "ولایت فقیه" چاره ای ندارد جز اینکه به تشدید ترور و اختناق، شیوه کهنه و نخ نما شده همیشگی مرتجعین تاریخ، دست زند. ولی هیچ نیرویی قادر نیست از پیروزی مبارزه مردم غیور ایران در راه رسیدن به آزادی و استقلال ملی جلوگیری کند.

تنها با وحدت عمل احزاب و سازمانهای مردمی و آزادیخواه، نیروهای ملی و مترقی و شخصیت های مستقل می توان به عمر فرتوت رژیم "ولایت فقیه" پایان داد. شکستن سد استبداد مذهبی "ولایت فقیه" و استقرار حکومت ملی و دموکراتیک، پاسخ به نیاز میرم لحظه کنونی است.

**آزادیخواهان ایران با وحدت عمل خود می توانند به این نیاز عینی تکامل جامعه ایران پاسخ دهند.**

• "در مجموع 30 هزار تن کالای اساسی برای توزیع در بین هیاتهای مذهبی در نظر گرفته شده است، که 20 هزار تن آن را برنج، 5 هزار تن روغن و 5 هزار تن دیگر را شکر تشکیل می دهد." (قدس، 1389/8/6)

در اختیار گذاشتن هزارها تن کالای اساسی در اختیار هیاتهای مذهبی سینه زنی و عزاداری در ماههای محرم و صفر، که

مبلغین ولی فقیه و قشری ترین عناصر مذهبی تسلط کامل بر آنها دارند، در حالی صورت می گیرد که اکثریت مردم و اقتشار زحمتکش جامعه برای تامین کالای ضروری می بایستی بخش عمده ای از دستمزد خود را هزینه کنند.

- "ایران ملزومات مندرج در قطعنامه های مرتبط شورای حکام و شورای امنیت را اجرا نمی کند، مانند اجرای پروتکل الحاقی که برای ایجاد اعتماد به هدف منحصرآ صلح آمیز برنامه هسته ای ایران و حل و فصل پرسش های باقیمانده بسیار اساسی است." (گزارش مدیر کل آژانس انرژی اتمی به شورای حکام، جمهوری اسلامی، 1389/9/6)

رژیم "ولایت فقیه" با عدم تمکین به قطعنامه های شورای حکام انرژی اتمی و شورای امنیت همچنان به فعالیت ماجراجویانه اتمی خود با هدف دست یافتن به سلاح اتمی از طریق غنی کردن اورانیوم با درصد بالا ادامه می دهد و می کوشد برای حفظ و تثبیت بقا رژیم به سلاح اتمی دست یابد. ماجراجویی های محافل حاکمه ارتجاعی در زمینه برنامه اتمی و تهیه جنگ افزار اتمی عملاً میهن ما را به پرتگاه هولناکی سوق می دهد و ادامه این برنامه می تواند تبعات غیر قابل پیش بینی برای مردم کشور ما و سایر کشورهای منطقه به بار آورد.

ما درباره برنامه اتمی رژیم در جزوه ای تحت عنوان "پیرامون برنامه های اتمی رژیم ولایت فقیه" که در سایت "راه حزب" منعکس گردیده نظراتمان را صریح و روشن گفته ایم. و در اینجا درصدد تکرار نیستیم. رفقا و علاقه مندان می توانند آن را مطالعه کنند.